

## تأملی بر معناشناسی غیرت زن در حکمت ۱۲۴ نهج البلاغه

روشنک مهینی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از موضوعات اخلاقی و اجتماعی که در سخنان امیرمؤمنان علی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «غیرت» است. در گفتاری از ایشان آمده است: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ، وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» (نهج البلاغه، ح ۱۲۴). غیرت برای زن کفر و برای مرد، ایمان است. این عبارت کوتاه، اما پرمعنا، حاوی نکات عمیقی درباره روابط انسانی، جایگاه اخلاقی زن و مرد و نقش آنها در خانواده و جامعه است. در این مقاله، به بررسی مفهوم غیرت از دیدگاه اسلامی و تبیین معنای این سخن پرداخته شده است. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و از منابع اصیل حدیثی و تفسیری بهره گرفته شده است تا به مفهوم اصلی این کلام حضرت (غیرت زن کفر است) پی برده شود.

**کلیدواژه‌ها:** امیر مؤمنان علی علیه السلام، نهج البلاغه، غیرت، کفر، ایمان.



\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵.

۱. کارشناسی ارشد علوم حدیث قرآن گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث (roshanakmahini@gmail.com)

## ۱. مقدمه

پیش از ورود به بحث، یادآوری این نکته ضروری است: برای این که از کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام و نیز از نهج البلاغه سوء برداشت نشود، سه شرط باید رعایت شود:

### یک. تطبیق برداشت کلام امیر مؤمنان علیه السلام با قرآن

یعنی هر برداشتی که از جملات مولا علی علیه السلام داریم باید به قرآن عرضه کنیم، اگر با قرآن و کلام خداوند تبارک و تعالی سازگار بود، بپذیریم.

### دو. جامع نگری

بدین معنا که شما در رابطه با موضوع زن در نهج البلاغه، یا زن از دیدگاه امام علی علیه السلام تحقیق کنید، هر آنچه که ایشان در مورد زن فرموده‌اند، کنار هم بچینید؛ حاصل درستی به دست بیاورید و قضاوت کنید.

### سه. تطبیق با سیره

شکی نیست که قول و فعل اهل بیت علیهم السلام کمترین تناقضی با یکدیگر نداشته و این یکی از مفاهیم عصمت ایشان است (كُلُّهُمْ نَوْرٌ وَاحِدٌ)؛ لذا این حکمت امیر مؤمنان را با بیانات دیگر ائمه علیهم السلام و شریعت اسلام، بررسی می‌نماییم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

غیرت در لغت عبارت است از: نفرت طبیعی از مشارکت غیر، در کاری که محبوب شخص است و اصطلاحاً به تلاش در جهت محافظت از چیزهایی گفته می‌شود که حفظ و حراست از آنها، ضروری به نظر می‌آید. غیرت در دیدگاه دین مبین اسلام شامل دو نوع ممدوح و مذموم می‌شود که برای هرکدام تعاریف و تقسیماتی در آیات و روایات ذکر شده است که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

گاهی افراد در مسائل ناموسی و غیر آن، گرفتار وسواس می‌شوند و به نام «غیرت» به هر کسی بدبین می‌شوند و عکس‌العمل نشان می‌دهند. در روایات اسلامی این حالت را نهی نموده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ مِنْهَا مَا يَبْغِضُ اللَّهُ؛ فَالْغَيْرَةُ الَّتِي يُحِبُّ اللَّهُ

الْغَيْرَةُ فِي الرَّبِيَّةِ وَالْغَيْرَةُ الَّتِي يُغِيضُ اللَّهُ الْغَيْرَةَ فِي غَيْرِ رَبِيَّةٍ؛ (محمّدی ری  
شهری، ۱۳۸۹: ۱ / ۴۳۴)

نوعی از غیرت را خدا دوست دارد و نوعی را دشمن می‌دارد؛ آنچه را دوست دارد،  
اعمال غیرت در مواردی است که آثار شک و تردید و انحراف نمایان می‌شود و اما  
غیرتی را که خدا دشمن می‌دارد آن است که در غیر این موارد [فقط با سوءظن  
آمیخته به وسواس] انجام می‌شود.

### ۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

در اهمیت و ضرورت پژوهش در این زمینه باید این گونه بیان کرد که به صورت طبیعی،  
بانوان به هرگونه رفتار همسرانشان در ارتباط با جنس مخالف، حساس بوده و نمی‌خواهند که  
پای زنی دیگر در زندگی مشترکشان باز شود. از طرفی، با نگرش در احکام اسلامی، واضح  
است که مردان با برخورداری از برخی شرایط می‌توانند چند همسر انتخاب کنند و به این  
موضوع در قرآن کریم نیز تصریح شده است. سخن امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه، تصریح در  
نارضایتی زن به ازدواج مجدد شوهر ندارد؛ بلکه به این معناست که غیرت ورزیدن اگر از  
جانب زن باشد، نشانه‌ای از کفر است و اگر از سوی مرد باشد، نشانه‌ای از ایمان است.  
شاید در نگاه اول، نتوان دریافت که مراد آن حضرت از بیان این کلمات چه بوده و ممکن  
است تصوّر شود که چنین کلامی، نشانگر دیدگاه جنسیتی یا تبعیض‌آمیز اسلام و پیشوایان دینی  
نسبت به زنان است؛ اما با کمی دقت، چنین تصویری از بین خواهد رفت. لذا لازم است با  
استناد به آیات و روایات به معنای حقیقی کلام امیر مؤمنان علیه السلام پی ببریم.

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

با مراجعه به تعدادی از کتب شرح نهج البلاغه و جستجو در خصوص شرح فرمایش  
امیر مؤمنان علی علیه السلام (غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ، وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ) به چند مورد اشاره می‌گردد:  
۱-۲-۱. شرح ابن میثم: در دو قسمت بیان شده است: قسمت اول: از آن جهت که غیرت  
مرد، باعث خشم او به خاطر خشم خداست، به دلیل شرکت دو مرد در یک زن، و خشمی که  
در حقیقت خشم خداست، با خوشنودی خدا ناسازگار و پشتوانه نهی اوست، و ایمان هم  
همان است.

قسمت دوم: از آن رو که زن در حرام داشتن چیزی که خدا حلال فرموده یعنی شریک بودن



دو زن و یا بیشتر در یک مرد، اظهار غیرت می‌کند، رو در روی مرد می‌ایستد و بر او اعتراض می‌کند و حرام داشتن چیزی که خدا حلال نموده است و خشم نسبت به چیزی که خدا بدان راضی است، اعتراض بر خدا و ناگزیر نوعی کفر است (ر.ک: ابن میثم، ۱۳۸۸: ۸/۱۱۸).

۲-۲-۱. جلوه‌های تاریخ در شرح نهج البلاغه: مرجع شناخت درستی این سخن عقل است و چون مرد عاقل‌تر و خوددارتر است، غیرت و رشک بردن او به‌جا و بر او واجب است؛ زیرا نهی از منکر واجب است و انجام دادن امور واجب از ایمان شمرده می‌شود، چون زن کم عقل‌تر و کم صبرتر است، شک و غیرت او بر گمان نادرست و خیال باطل است و چون به‌جا و به موقع انجام نمی‌شود، قبیح است. علی علیه السلام از لحاظ اشتراک قبیح میان آن و کفر، آن را کفر نام نهاده است. وانگهی رشک و غیرت زن را بر انجام دادن کارهایی از قبیل سحر و جادو و ما می‌دارد که به راستی کفر است. در حدیث مرفوع آمده است که سحر و جادو کفر است و دلتنگی و اضطراب، زن را وادار می‌کند که خشمگین شود و دشنام دهد و الفاظی را به زبان آورد که بدون تردید کفر است (ر.ک: دامغانی، ۱۳۸۵: ۷/۳۴۷).

۳-۲-۱. آئینه نهج البلاغه: غیرت زن آن است که از زن گرفتن شوهرش مانع شود و جلو «ماأحلَّ الله» را می‌گیرد و این سبب کفر است و غیرت مرد آن است که زن خود را از زنا مانع می‌شود و آن ایمان است (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۵: ۳/۴۵۰).

۴-۲-۱. شرح نهج البلاغه: گفت علیه السلام که غیرت و عصبیت و حمیت زن بر مرد کفر است؛ زیرا راضی نبودن او است به بودن زن دیگر در فراش شوهرش که به حکم خدا حلال است، پس البته راضی به حکم خدا نباشد، و راضی نبودن به حکم خدا کفر است. و غیرت و عصبیت مرد بر زن ایمان است؛ زیرا که راضی نبودن است به بودن مرد دیگری بر فراش زنش که به حکم خدا حرام است، و خدا راضی نیست به آن، پس راضی نبودن به چیزی که خدا راضی به آن نیست، نیست مگر از ایمان (ر.ک: نواب لاهیجی، ۱۳۷۹: ۲/۱۲۵۴).

۵-۲-۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: مرجع درباره عقل است و تسلط بر خود، پس هرچه مرد را خرد بیش و تسلط بر خود سخت‌تر باشد، غیرت او در جای خود است، و بر او واجب باشد؛ زیرا نهی از منکر واجب است، و انجام واجبات از ایمان است، و اما زن، از آن‌جا که در خرد، ناقص‌تر و در بردباری کم‌تر است، غیرت او بر وهم باطل و خیال غیر واقعی است، پس زشت است؛ زیرا وقوع آن در جای خود نیست، و او علیه السلام آن را کفر نامید به دلیل مشارکتش

با کفر در زشتی، پس نام آن را بر آن نهاد. همچنین زیرا گاهی غیرت زن به آنچه در حقیقت کفر است منجر می‌شود؛ مانند سحر و جادوگری که در حدیث مرفوع آمده که کفر است و گاهی ملامت و بی‌قراری او را بدانجا می‌کشاند که به خشم آید و ناسزا گوید و الفاظی به زبان آورد که ناگزیر کفر است (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳: ۱۸/۳۲۴).

اما موضوع غیرت، در مقاله و پایان‌نامه‌های متعددی وارد شده است از جمله: مقاله‌ای با عنوان «غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی» اثر فیض‌الله اکبری دستک و رمضانعلی رود مقدس و دل‌آرا نعمتی پیرعلی، که در آن با استناد به آیات و روایات به نقش غیرت در زندگی پرداخته است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان غیرت دینی از منظر آیات و روایات نوشته زهرا امیدواری که در آن به آیات و روایات با عنوان غیرت استناد نموده است؛ اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های ذکر شده در خصوص کفر غیرت زنان، مطلبی یافت نگردید.

### ۳-۱. بیان مسئله

چرا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: غیرت زن، کفر است؛ ولی غیرت مرد از ایمان است؟ دربارهٔ ریشهٔ غیرت‌ورزی زن، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:  
 عن إسحاق بن عمار قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: المرأة تغار علی الرجل تؤذیه، قال: ذلک من الحب (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵/۵۰۶، ح ۶).  
 از اسحاق بن عمار نقل شده که: به امام صادق علیه السلام گفتم: زن بر شوهرش غیرت می‌ورزد، این کار او را آزار می‌دهد. امام علیه السلام فرمود: «این غیرت، ناشی از عشق و علاقه است».  
 به عبارت دیگر، معنای این سخن (غیرة المرأة کفر)، آن نیست که این کار کفر واقعی باشد، بلکه این کار به بعضی از حالات و زمینه‌های کفر کشیده می‌شود و آن تحریم حلال خداست؛ زیرا گاهی زن به سبب ازدواج شوهرش با زنی دیگر، احساسات منفی‌اش به افراط کشیده می‌شود! آن‌گاه طوری برخورد می‌کند که گویی این کار حرام بوده، یا شوهرش مرتکب عمل نامشروع شده است. این مسئله چنان برای او بزرگ می‌شود که او را در معرض اعتراض به قوانین الهی قرار می‌دهد؛ زیرا برخی از زنان بدون توجه به مجوز شرعی ازدواج مجدد مرد، آن را ستمی در حق خود می‌پندارند. در اسلام تعدد زوجات برای مردان جایز دانسته شده و حتی در بعضی موارد، لازم و ضروری تلقی گشته است و غیرت زن و مخالفت او با این حکم، طبق بیان امام کفر است.



## ۴-۱. مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

### ۱-۴-۱. غیرت در لغت

به معنای رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است و در تداول فارسی‌زبانان به معنای حمیت و محافظت عصمت و آبرو و ناموس و نگه‌داری عزّت و شرف آمده است. همچنین آمده است: «غیور، و یجمع الغیور علی: الغیر، قال: أ قوم لا تأمنوا (إن کنتم غیراً) علی نساءکم کسری و ما جمعاً؛ با حمیت و ناموس پرست که مجاز دلیر و شجاع است و جمع آن غیرتمندان می‌شود گفت: ای قوم من! ایمان نیاوردید اگر بر زنانتان یکی یا همگی غیرت نوزید» (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ذیل واژه غیرت).

غیرت در لغت عبارت است از: نفرت طبیعی از مشارکت غیر در کاری که محبوب شخص است و اصطلاحاً به تلاش در جهت محافظت از چیزهایی گفته می‌شود که حفظ و حراست از آنها، ضروری به نظر می‌آید.

غیرت در دیدگاه دین مبین اسلام شامل دو نوع ممدوح و مذموم می‌شود که برای هرکدام تعاریف و تقسیماتی ذکر شده است؛

غیرت ممدوح در مردان: برهر مردی لازم است به همسر و ناموس خویش غیرت داشته باشد. در روایات متعدّد و از جمله در این حکمت نورانی، غیرت مردان، عین ایمان دانسته شده است؛ به گونه‌ای که اگر مردی غیرت نداشته باشد، روح ایمان از او جدا می‌شود.

غیرت مذموم در مردان: کوتاهی کردن در غیرت ورزیدن، مذموم است و نیز از افراط در آن باید پرهیز کرد؛ چرا که غیرت افراطی و بی‌جا، انسان سالم را بیمار می‌کند و پاک‌دامن را آلوده می‌سازد.

غیرت ممدوح در زنان: اگر خانمی به شوهر خویش غیرت داشته باشد و او را از ارتباط حرام با زنان دیگر منع کند، بسیار پسندیده است و از غیرت دینی او ناشی می‌شود.

غیرت مذموم زنان: گاهی آدمی در مقام عمل به اجرای احکام الهی، سهل‌انگاری و کوتاهی می‌کند؛ اما در مقام اعتقاد، مخالفتی با اصل حکم خداوند ندارد. بنابراین مراد از «کفر زن» در این حکمت، کفر عملی است نه کفر اعتقادی.

در برخی از روایات، منشأ غیرت و حسّاسیّت زن نسبت به شوهر، «حسادت» یا «عصبانیت» وی دانسته شده است که هر دو در مقام عمل بروز می‌کند، نه در مقام اعتقاد.



بنابراین مراد از کفر زن در این جا همان بی‌اعتنایی به دستور خدا یعنی جواز تعدد زوجات است (ر.ک: رضازاده جویباری و دیگران، ۱۳۹۶: ۵/ ۱۲۵-۱۲۶).

#### ۱-۲-۴. غیرت در اصطلاح

علمای اخلاق نیز غیرت و حمیت را چنین تعریف کرده‌اند: تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است. این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ‌منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از ملکه‌های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و مرد بی‌غیرت از زمره مردان خارج است (ر.ک: نراقی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۸).

همچنین آمده است: «الغیرة نفرة طبيعية تكون عن بخل مشاركة الغير في أمر محبوب له؛ غیرت به معنای نفرت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه‌اش است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۲۳۴). از نظر وی، غیرت به معنای دفاع از چیزی محبوب در برابر هرگونه دستبرد و تجاوز است (ر.ک: همان).

#### ۱-۳-۴. کفر در لغت

کفر: پوشش و پوشاندن است. از این رو، مردم عرب، شب را کافر می‌گویند؛ زیرا اشیا را می‌پوشاند و پنهان می‌کند و نیز به کشاورز که بر زمین بذر می‌پاشد و بذرها را در آن پنهان می‌سازد نیز کافر گویند. برگ‌هایی نیز که میوه‌های درخت را می‌پوشاند، کافر خوانده می‌شود (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۳۳).

کفر، واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن است. به شب تاریک کافر می‌گویند؛ زیرا با تاریکی خود همه چیز را می‌پوشاند. بنابراین از آن جهت به کافر، کافر می‌گویند که نعمت‌های الهی را می‌پوشاند و مخفی می‌کند. به کشاورز نیز از آن جهت کافر می‌گویند که بذر و دانه را با خاک می‌پوشاند (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۲، ذیل واژه کفر).

نیز آمده است: «کفر: نقيض الإيمان. و يقال الأهل دار الحرب: قد كفروا، أي: عصوا و امتنعوا. و الكفر: نقيض الشكر. كفر النعمة أي: لم يشكرها. و الكفر أربعة أنحاء: كفر الجحود...؛ و كفر المعاندة...؛ كفر النفاق...؛ كفر انكار...؛ كفر ضد ایمان است. به ساکنان سرزمین‌های خارج از قلمرو حاکمیت اسلام که با کشورهای اسلامی سر جنگ دارند گفته می‌شود آنها کفر ورزیده‌اند. یعنی از ایمان آوردن، عصیان و امتناع ورزیدند. همچنین کفر ضد



شکر است؛ یعنی ناسپاسی نعمت است. کفر چهار نوع است: کفر جحود؛ کفر عناد؛ کفر نفاق؛ کفر انکار (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۵۷).

#### ۱-۴-۴. کفر در اصطلاح

معنای اصطلاحی این واژه چنان‌که سید مرتضی آورده عبارت است از: آنچه باعث استحقاق عقاب دائمی و عظیم شود و البته در دنیا هم احکام خاصی بر آن مترتب است. از آن جایی که ما با عقل خود نمی‌توانیم دریابیم که چه چیزی باعث استحقاق عقاب ابدی می‌شود، لازم است که از خود شرع بپرسیم. پس تعیین حد کفر با دلایل سمعی مقدور است. ما با بررسی دلایل شرعی به این نتیجه رسیده‌ایم که کفر عبارت است از: اخلال و کوتاهی در معرفت به خداوند و توحید و عدل و رسالت پیامبر اسلام ﷺ؛ حال این اخلال به صورت جهل باشد یا شک در آنها و یا به صورت اعتقاد به اموری باشد که با وجود آنها دستیابی به معارف فوق ناممکن می‌شود. این آخری را از آن جهت معتقدیم که اگرچه در ارتباط مستقیم با معارف فوق نیست؛ اما باعث اخلال در معرفت واجب است؛ مثلاً اصحاب بدعت‌ها اعتقادی دارند که در دستیابی به معرفت درست از خدا و رسول، مانع ایجاد می‌کند. حاصل آن که نزد ما کفر، از افعال قلوب است نه جوارح، همان‌طور که ایمان را فعل قلبی گرفتیم (ر.ک: سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۵۳۴/۱).

نیز کفر در اصطلاح، به معنای ایمان نیاوردن به چیزی است که شأنش ایمان آوردن به آن است، مثل عدم ایمان به خدا و توحید و نبوت پیامبر اسلام ﷺ و روز قیامت. با توجه به حکمت ۱۲۴ نهج البلاغه باید یادآور شد که در فرهنگ اسلام، کفر به دو گونه است: کفر اعتقادی: به معنای انکار توحید، نبوت و معاد و آنچه به عنوان اصل دین و ضروری دین است؛ کفر عملی: به معنای ترک دستورهای خدا و عدم التزام به احکام الهی است مانند ترک نماز و یا ترک حج، در حالی که اعتقاد دارد این دستورها از سوی خداوند است؛ اما از نظر عملی پای‌بند نیست. از آن‌جا که زن به جهت غیرت خاص خودش نسبت به تعدد زوجات شوهرش حساسیت دارد، یکی از دستورهای دینی را نادیده می‌گیرد؛ درحقیقت به نوعی انکار حکم الهی در مقام عمل از سوی زن اتفاق می‌افتد و به معنای مخالفت با انجام دادن یک کار مشروع و یا جلوگیری از انجام دادن آن است.



#### ۱-۴-۵. ایمان در لغت

اصل آن، «أَمَنَ»، به معنای طمانینه و آرامش نفس است و از بین رفتن ترس و ایمان یعنی مطلق تصدیق (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ذیل واژه ایمان).

ایمان: امن، ایمن شدن، بی‌هراس شدن، بی‌بیم شدن، اعتماد کردن، امین پنداشتن، آرامش قلب مقابل خوف (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه ایمان).

واژه ایمان از ریشهٔ أَمِن گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أَمِنَ، يَأْمَنُ وِ أَمْنًا» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است که اگر متعدی به «با و لام» باشد، به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. به همین معناست آیهٔ ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا﴾ (یوسف: ۱۷) (ر.ک: فراهیدی: ۱۴۱۰: ۸/۳۸۹).

#### ۱-۴-۶. ایمان در اصطلاح

حقیقت ایمان را علمی می‌دانند که به مرتبهٔ قلب و وجدان رسیده و همراه با اطمینان، انقیاد و خضوع باشد (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۲: ۸۸).

ایمان همان علم صحیح عقلی و مطابق با واقع است که از مرتبهٔ عقل و حوزهٔ مفاهیم به حیطةٔ قلب وارد می‌شود، به گونه‌ای که افزون بر تصدیق عقل، قلب انسان نیز آن مطلب علمی و معتقد عقلی را می‌پذیرد و با آن متحد می‌شود (همو، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

#### ۲. بررسی غیرت زن در تعالیم اسلامی

آموزه‌های دینی، غیرت شخصی را وسیله‌ای برای صیانت از خانواده و غیرت اجتماعی را سازوکاری برای سلامت اجتماع، بر می‌شمارد. غیرت، امری ارزشمند است. اگر افراد خانواده غیور باشند، خانواده تحکیم بیشتری پیدا می‌کند.

مرد باید از همهٔ جهات غیور باشد: از طرفی همهٔ امکانات لازم را برای منزل فراهم کند و از طرف دیگر باید روی حریم معنوی و ایمانی حساس باشد. در ارتباطات فامیلی و اجتماعی، مرد به عنوان پدر و قوام خانواده و بعد از او مادر در این زمینه وظیفه دارند تا حدود شرعی محرم و نامحرمی را رعایت کنند.

براساس تعالیم اسلامی، زنان نیز در اجتماع مسئولیت دارند و تا می‌توانند باید از کثی‌ها و زشتی‌ها جلوگیری به عمل آورند. قرآن کریم می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (توبه: ۷۱).

مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند؛ به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان‌برداری می‌کنند. خداوند اینان را رحمت خواهد کرد. خداوند پیروزمند و حکیم است.

بر این اساس، اگر بانوی مسلمانی، همسر خود را از ارتباطات نامشروع و ناسالم بازدارد، به وظیفه دینی خود عمل کرده و در طرف مقابل، اگر نسبت به این موضوع با بی‌تفاوتی رفتار کند، او نیز مرتکب گناه شده و در برابر پروردگار پاسخگو خواهد بود.

مردان، البته با شرایطی، می‌توانند چند همسر انتخاب نمایند که به این موضوع نیز در قرآن کریم تصریح شده است. در آیه سوم سوره نساء، ازدواج یک مرد با حداکثر چهار زن را روا می‌شمرد. مفسران در بیان ارتباط این شرط «بیم از بیداد بر یتیمان» و «جواز چندهمسری» سخنان گوناگون گفته‌اند؛ وجود خانواده‌های بی‌سرپرست، دختران یتیم و زنان بیوه، زمینه و حکمت چندهمسری است و رعایت عدالت میان همسران، شرط این حکم است.

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ (نساء: ۳).

و اگر می‌ترسید که [به‌هنگام ازدواج با دختران یتیم] عدالت را رعایت نکنید، [از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و] با زنان پاک [دیگر] ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را [در باره همسران متعدّد] رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.

از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در خصوص تفسیر آیه یادشده و این که «چرا مردان می‌توانند چهار زن اختیار کنند؟» سؤال شد و حضرت این‌گونه پاسخ فرمودند:

عَلَّةُ تَزْوِيجِ الرَّجُلِ أَرْبَعَ نِسْوَةٍ وَ تَحْرِمُ أَنْ تَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةُ أَكْثَرَ مِنْ وَاحِدٍ لِأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ أَرْبَعَ نِسْوَةٍ كَانَ الْوَلَدُ مُنْسُوبًا إِلَيْهِ وَ الْمَرْأَةُ لَوْ كَانَ

لَهَا زَوْجَانِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ الْوَلَدُ لِمَنْ هُوَ إِذْ هُمْ الْمُسْتَرِكُونَ  
فِي نِكَاحِهَا وَفِي ذَلِكَ فَسَادُ الْأَنْسَابِ وَالْمَوَارِيثِ وَالْمَعَارِفِ (شیخ  
صدوق، ۱۳۹۱: ۴۹۱/۲).

دلیل این که مرد می‌تواند با چهار زن ازدواج کند، اما بر زن حرام است که با بیش از  
یک مرد ازدواج کند این است که اگر مرد با چهار زن ازدواج کند، فرزندش منتسب  
به اوست؛ اما اگر زن، بیش از یک همسر داشته باشد، معلوم نمی‌شود فرزندش از  
کیست؛ چرا که همسرانش در نکاح او مشترکند و این امر، باعث گم‌شدن انساب و  
ارث‌بردن و خویشاوندی می‌گردد.

آمارهای موجود، نشان‌دهنده این واقعیت است که چندهمسری، نه از سر هوس‌رانی یا  
تعدّدطلبی، بلکه به مثابه یک ضرورت اجتماعی و برای تأمین نیازهای زنان بیوه و دختران یتیم  
در جوامع بشری شکل گرفته و در شریعت اسلامی روا دانسته شده است. از این‌رو،  
چندهمسری در این چارچوب و با رعایت شروط عدالت (ذکرشده در آیه ۳ سوره نساء)،  
معاشرت متعارف، تأمین هزینه‌های زندگی همسران و نامشروع بودن روابط تعلیقی، حکمی  
موجه و قابل دفاع است. پس رعایت عدالت از ضروریات چندهمسری در مردان است.  
حدیث گهربار امام صادق علیه السلام در خصوص غیرت زنان، راه‌گشایی است برای اشخاصی که  
تعابیر جنسیتی و یا فمینیستی دارند تا دچار سوء تفاهم نشوند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَإِنَّمَا تَغَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ فَأَمَّا  
الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا إِتْمَانَ جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ لِأَنَّهُ أَحَلَّ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَمَا  
مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَلَمْ يَجْعَلْ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا زَوْجَهَا فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَهُ غَيْرَهُ كَانَتْ عِنْدَ  
اللَّهِ زَانِيَةً؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۱: ۴۹۳/۲؛  
همو، ۱۴۱۳: ۴۴۴/۳؛ ۴۵۴۳)

خدای عزّ و جلّ غیرت را در وجود زنان قرار نداد و تنها زنان ناشایست غیرت  
می‌ورزند؛ ولی زنان مؤمنه حقیقی، نه! همانا خداوند، غیرت را تنها در مردان قرار  
داد؛ از این رو برای مرد، چهار زن و کنیزان را حلال فرمود؛ ولی برای زن جز  
شوهرش را قرار نداده؛ پس زنی که علاوه بر شوهرش مرد دیگری را اراده کند، نزد  
خداوند زناکار است.

این حدیث، مرزهای جنسیتی غیرت را با دقت تبیین می‌کند. غیرت مردانه، در چارچوب



قوانین الهی، نشانه حفظ مسئولیت و تعهد است. در مقابل، امام صادق علیه السلام غیرت زنانه را چنانچه به معنای میل به انحصار مرد و جلوگیری از مجازهای شرعی او باشد، امری ناپسند و گاه منجر به گناه معرفی می‌کند. این نگاه، کاملاً در امتداد تحلیل معنایی حکمت ۱۲۴ نهج البلاغه است؛ جایی که «غیرت زنانه» در صورتی که منجر به کنترل‌گری، سوءظن یا محدودسازی حق مشروع مرد شود، نه نشانه ایمان بلکه می‌تواند پرتگاه کفر عملی باشد و این همان غیرت مذموم در زنان است.

بر اساس این نگاه، باید میان غیرت مشروع مردانه که در قالب صیانت از خانواده تعریف شده و «حس تملک‌گرایانه زن» که ریشه در منکر و نارضایتی از حکم الهی دارد، تفاوت قائل شد؛ این همان غیرت ممدوح در مردان است.

البته غیرت افراد خانواده باعث ازدیاد محبت می‌شود و همه دلسوز بودن نسبت به یکدیگر را پیدا می‌کنند و به این ترتیب، خانواده مستحکم خواهد شد و از بسیاری از آسیب‌ها مصون خواهد ماند. در واقع تعبیر دیگری که می‌توان برای غیرت بیان کرد، «وفاداری» است. در روایات اسلامی آمده است که خداوند متعال دارای صفت غیرت است و انسان‌های غیور را دوست دارد که اهمیت صفت پسندیده غیرت را بیان می‌نماید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ لِيَغَيِّرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا؛  
(مجلسی ۱۴۰۶: ۸/۲۸۳)

همانا خداوند تبارک و تعالی با غیرت است و انسان‌های غیور را دوست دارد و به سبب غیرتش بود که همه کارهای زشت را چه آشکار و چه پنهان، حرام کرده است.

غیرت ممدوح در مردان بر دو قسم است:

یک. غیرت درباره دین و دینداری: این است که انسان در برابر اهانت به دین و یا عمل نشدن به دستوره‌های دین دلسوزی کند؛ نسبت به آن بی‌اعتنا نباشد؛ برای حفظ ارزش‌های اسلامی و رشد و گسترش آن در جامعه بشری کوشش نماید؛ امر به معروف و نهی از منکر را که از وظایف مهم اسلامی است، ترک نکند.

دو. غیرت در مورد ناموس: به این معناست که بر محافظت زن و دختر و خواهران خود بکوشد؛ از بیرون رفتن بی‌جهت آنان جلوگیری کند؛ از مناظر شهوت‌آلود منع کند؛ از پوشیدن لباس نازک و تن‌نما آنان را بر حذر دارد؛ آنان را از گفتگو با نامحرمان منع

کند؛ همواره سفارش به تقوا و حفظ حجاب نماید تا آبروی خانوادگی و اجتماعی آنان محفوظ بماند.

این که مرد بر اساس غیرت خود از ناموسش مواظبت می‌کند و از نگاه نامحرم به او جلوگیری می‌نماید و غیرتش اجازه نمی‌دهد کسی به همسرش نگاه بد نماید و تجاوز نماید، یک اصل عقلی و واجب شرعی است و وظیفه دینی خود را عمل کرده است؛ غیرت او از ایمان محسوب شده است؛ اما اگر زنی اجازه ندهد که شوهرش شریک دیگری در زندگی برای او پیدا کند و زن دیگری داشته باشد، این کار، مخالف حکم قرآن است که تعدد زن را برای مرد جائز دانسته است. غیرت زن در واقع یک نوع نه گفتن به حکم قرآن است؛ از این رو کفر تلقی شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶/۲۱).

کلام گهربار امیرمؤمنان علی علیه السلام در حکمت ۱۲۴ اشاره به درک عمیق ایشان از روان‌شناسی اجتماعی دارد. اگر زن مانع شود که شوهرش همسر دیگری اختیار کند و یا حسادت بورزد و عکس‌العمل تندى نشان دهد، در واقع با فرمان خدای متعال مخالفت کرده است؛ زیرا خداوند بر اساس مصالح متعددی، تعدد زوجات را با شرایطی برای مرد مجاز شمرده است؛ ولی اگر مرد نسبت به ارتباط همسرش با مرد بیگانه‌ای مخالفت کند و از گام نهادن او در زندگی خانواده‌اش ناراحت گردد و عکس‌العمل نشان دهد، در واقع اطاعت فرمان خدا کرده و در مسیر نهی از منکر گام برداشته است؛ در حالی که زن اگر چنین کند در مسیر نهی از معروف قرار گرفته است. البته نمی‌شود انکار کرد که تعدد زوجات نیز شرایطی دارد و نباید وسیله‌ای برای هوسورانی مردان گردد؛ ولی در صورتی که آن شرایط جمع گردد، زن باید آن را تحمّل کند و به فرمان خدا تن در دهد، درحالی که اگر زن شوهردار، با مرد دیگری رابطه برقرار سازد، خواه به صورت فجور باشد یا ظاهراً صیغه عقد دائم یا موقتی با او جاری کند، به یقین راه خلاف را پیموده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶).

غیرت، حالتی است که انسان را وادار می‌کند از ورود دیگران به حریم زندگی شخصی‌اش جلوگیری کند تا مواهبش را از دستش نگیرند و معترض نوامیس او نشوند. منظور از غیرت زن در کلام امام علی علیه السلام، همان حسادتی است که به زوجه دیگر همسرش پیدا می‌کند و منظور از غیرت مرد، ممانعتی است که مرد از ورود دیگری به حریم خانواده و ناموس خود به عمل می‌آورد. تعبیر کفر در این کلام حکمت‌آمیز اشاره به کفر عملی است؛ زیرا کفر و ایمان معانی



متعددی دارند که در آیات قرآن نیز منعکس است. این واژه کراراً در قرآن به بت پرستان اطلاق شده که کفرشان، کفر اعتقادی است و همچنین درباره کسانی که حج را ترک کنند و به آن بی اعتنا باشند به کار رفته است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾؛ (آل عمران، ۹۷).

و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه [او] کنند؛ آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده]، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.

این کفر عملی است نه اعتقادی که آثار خاص خود را داشته باشد. کفر زن در این جا همان بی اعتنایی به دستور خدا یعنی جواز تعدد زوجات در موارد لازم است. درباره اهمیت غیرت، روایات متعددی از پیامبر اکرم و دیگر معصومان علیهم السلام وارد شده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است که:

كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام غَيُورًا وَ أَنَا أُغْيِرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۴۴؛ مجلسی، بی تا: ۱۰۳/ ۲۴۸).

پدر من ابراهیم غیرتمند بود و من از او غیرتمندترم. خداوند بینی کسانی از مؤمنان را که غیرت ندارند، بر خاک بمالد!

واژه غیرت گرچه در عرف ما معمولاً درباره غیرت ناموسی به کار می رود، مفهوم گسترده ای دارد و تمام مواهب و ارزش های الهی را که باید از آن دفاع کرد شامل می شود؛ بنابراین دفاع از وطن و آبرو و حیثیت و از آن مهم تر دفاع از دین و آیین نیز از مصادیق غیرت است. این نکته نیز شایان دقت است که گاهی افراد در مسائل ناموسی و غیر آن، گرفتار وسواس می شوند و به نام غیرت به هر کسی بدبین شده و عکس العمل نشان می دهند.

روایات فراوانی از ائمه معصوم علیهم السلام در مورد غیرت بی جا به ما رسیده است که تنها به بیان نمونه ای از آنها بسنده می شود. در وصیت مولا امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام نیز به همین موضوع اشاره شده که غیرت بی جا گاه سبب می شود انسان های درستکار به نادرستی کشیده شوند. ایشان می فرماید:

وَأَيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى

السَّقْم، وَالْبَرِيئَةُ الرَّيْبَةُ (دستی، ۱۳۸۸: ۳۸۲).

بیرهیز از غیرت نشان دادن بی جا که درستکار را به بیمار دلی می‌رساند و پاک‌دامن را به بدگمانی.

فهوای کلام امام این است که غیرت بی جا کار را به سوءظن می‌کشاند که نادرست است و زن پاک‌دامن را به ناپاکی سوق خواهد داد.

### ۳. پیامدهای اجتماعی و خانوادگی رعایت تعادل در غیرت

اگر آموزه گران‌بهای امام علی علیه السلام در خانواده‌ها و جامعه رعایت شود، نتایج مثبت متعددی به دنبال خواهد داشت از جمله:

۳-۱. تقویت اعتماد متقابل: اعتدال در غیرت، باعث افزایش اطمینان و آرامش در روابط زناشویی می‌شود.

۳-۲. حفظ حرمت‌ها: غیرت متعادل، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را در جامعه تقویت می‌کند.  
۳-۳. کاهش تنش‌های خانوادگی: اجتناب از سوءظن و کنترل‌گری، آرامش خانواده را افزایش می‌دهد.

۳-۴. ساخت جامعه‌ای اخلاق‌مدار: جامعه‌ای که در آن زنان و مردان، نقش خود را به درستی ایفا کنند، به سوی پیشرفت و تعالی حرکت خواهند کرد.

### ۴. نتیجه‌گیری

با بررسی واژگان حدیث و با تحلیل قرآنی و روایی، روشن شد که منظور از عبارت «غیرت زن، کفر است»، خروج زن از دین یا انکار اصول اعتقادی نیست؛ بلکه مراد، نوعی کفر عملی است. همان‌گونه که ممکن است فردی مؤمن، رفتاری برخلاف آموزه‌های دینی مانند ترک حجاب داشته باشد، بدون آن‌که لزوماً منکر خدا و پیامبر باشد. غیرت‌ورزی زن نیز - اگر در جایگاه نابه‌جا و بدون بصیرت صورت گیرد - می‌تواند نوعی تخطی از نظام تربیتی و اخلاقی اسلام تلقی شود. در این حکمت، امام علی علیه السلام به تفاوت بنیادین در وظایف و نقش‌های جنسیتی اشاره دارد و با تعبیر ظریف و هشدارگونه «کفر»، نشان می‌دهد که غیرت‌ورزی زن، اگر به شکل مردانه و کنترل‌گرانه بروز یابد، می‌تواند نه نشانه ایمان، بلکه نشانه‌ای از عدم شناخت جایگاه خویش در نظام خانواده و اجتماع باشد. این رویکرد تربیتی، مؤید نگاه هوشمندانه اسلام به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و تأکید بر حفظ تعادل رفتاری در پرتو معرفت و حکمت است.



## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، (۱۳۹۲ ش)، شرح نهج البلاغه، مترجم: غلامرضا لایقی، تهران: کتاب نیستان.
۲. بحرانی، ابن میثم، (۱۳۸۸ ق)، شرح نهج البلاغه، ترجمه: قربانعلی محمّدی مقدم و دیگران، مشهد: انتشارات پژوهش‌های اسلامی، سوم.
۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۷ ق) شرح نهج البلاغه، مشهد: نشرالبحوث الاسلامیه.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: عطار احمد عبد الغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، چهارم.
۵. خمینی، روح الله، (۱۳۸۲ ش)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸ ش)، شرح جهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. دامغانی، محمود، (۱۳۸۵ ش)، جلوه‌های تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران: نشر نی، سوم.
۸. دشتی، محمّد، (۱۳۸۸ ش)، شرح نهج البلاغه، قم: نشرعلویون.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲-۱۳۷۳ ش)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: نشر روزنه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، (۱۳۸۳ ش)، المفردات، تهران: المكتبة لاهیه آثار الجعفریه.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ ق)، المفردات، بی‌جا: دفتر نشر کتاب، دوم.
۱۲. رضازاده جویباری، محمّد و دیگران (۱۳۷۵ ش)، راه روشن، قم: نشر.
۱۳. سید مرتضی، علی بن الحسین، (۱۴۱۱ ق)، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق و تصحیح: سید احمد حسینی اشکوری، قم: بی‌نا.
۱۴. شیخ صدوق، محمّدبن علی ابن بابویه القمی، (۱۳۹۱ ق)، علل الشرایع، تصحیح و تحقیق: محمّدجواد مصطفوی، ترجمه: طه طرزئی، قم: دارالکرامه.



۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۱۶. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البیان، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، العین، تحقیق: مهدی المخزومی و دیگران، بی جا: موسسه دارالهجرة، دوم.
۱۸. قرشی، علی اکبر، (۱۳۸۵ ش)، آینه نهج البلاغه، بی جا: انتشارات فرهنگ مکتوب، دوم.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، بحار الأنوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، دوم.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۹ ش)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه: محمد رضا شیخی، قم: دارالحدیث، چهارم.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، پیام امام امیرالمؤمنین، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلا، تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
۲۴. نراقی، محمد مهدی، (بی تا)، جامع السعادات، بیروت: اعلمی، چهارم.
۲۵. نواب لاهیجی، محمدباقر، (۱۳۷۹ ش)، شرح نهج البلاغه، تصحیح و تعلیق: سید محمد مهدی جعفری، تهران: میراث مکتوب.